

نه به اعدام

ویژه روز جهانی علیه اعدام

جمع بندی آمار اعدام ها در ایران در طول یکسال اخیر
۱۰ اکتبر ۲۰۲۰ – ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱

مقدمه / ۴

نگاه اجمالی به آمار اعدام در یکسال اخیر / ۶

گسترده گی اعدام ها از نظر زمانی / ۷

اعدام های رسمی و اعدام های مخفیانه / ۸

اتهام زندانیان اعدام شده / ۱۰

مقایسه آماری اعدام ها به تفکیک شهرها / ۱۲

اعدام زنان / ۱۴

اعدام کودکان / ۱۶

اعدام زندانیان سیاسی و عقیدتی / ۱۸

سیکل معیوب اعدام / ۲۰

جایگاه حقوقی قسامه در قوانین کیفری / ۲۲

خانواده ها در سایه چوبه دار / ۲۵

به مناسبت روز جهانی علیه اعدام

گزارش آمار اجرای احکام اعدام در ایران در طول یکسال اخیر

(۱۰ اکتبر ۲۰۲۰ - ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱)

مرکز آمار لیگ حقوق بشر زندانیان ایران

(نفس در قفس)



جمع‌بندی آمار اعدام‌ها در ایران در طول یکسال اخیر (۱۰ اکتبر ۲۰۲۰ - ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱)

مرکز آمار لیگ حقوق بشر زندانیان ایران - مهر ۱۴۰۰

www.bciran.org

<https://bciran.org>

مقدمه

نوشتن از اعدام در ایران اگرچه منوط به روز جهانی علیه اعدام نیست، اما این روز فرصت دیگری برای فعالین حقوق بشر ایران و مخالفان اعدام است تا با بلند کردن صدای خود علیه اعدام و ارائه آمار جامع از اعدام‌های صورت گرفته در زندانهای ایران، جامعه بین‌المللی و مراجع حقوق بشر بین‌المللی را نسبت به این حکم ضدبشری حساس تر کرده و آنها را برای اتخاذ یک تصمیم قاطع در مقابل حکومت ایران مصر کند.

اجرای احکام اعدام در حکومت جمهوری اسلامی، از همان ماههای اولیه انقلاب ۱۳۵۷، شروع شده و تا الان هم ادامه دارد. در واقع اجرای احکام اعدام ابزاری برای سرکوب، توسط حکومت دیکتاتوری حاکم بر ایران استفاده می‌شود. حکومت جمهوری اسلامی اعدام را یکی از شیوه‌های بقای خود می‌داند. اعدام‌های گسترده و غیرانسانی زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ نمونه‌ای از این استفاده و نگاه به اعدام است.

نگاه به موضوع احکام اعدام در ایران با سرکار آمدن ابراهیم رئیسی در منصب ریاست جمهوری، جدیت و لزوم بیشتری می‌طلبد، چرا که ابراهیم رئیسی یکی از اعضای «هیئت مرگ» در کشتار زندانیان سیاسی و عقیدتی تابستان ۶۷ بوده و نقش کلیدی در اعدام‌های آن زمان که ذیل قوانین بی‌المللی جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی طبقه بندی می‌شوند، داشته است.

مصونیت از مجازات در جمهوری اسلامی این اجازه به رهبران این حکومت داده است که بدون هیچ پاسخگویی در تمامی این سالیان نقش‌های کلیدی و مناصب حساس دولتی بر عهده این ناقضین حقوق بشر و متهمین به نسل‌کشی داده شود.

متأسفانه جامعه جهانی و مراجع حقوق بشر آنگونه که باید به این انتصاب و اکنش عملی نشان نداده و این در واقع تاییده پنهانی برای حاکمان ایران محسوب می‌شود.

امسال جامعه ایران در حالی به استقبال روز جهانی علیه اعدام می‌رود که یکی از عاملین اعدام‌های تابستان ۶۷ در دادگاهی در سوئد در حال محاکمه است. حمید نوری (عباسی) کسی که متهم است در طول اعدام‌های تابستان ۶۷ که به فتوای خمینی برای کشتن مخالفین زندانی از اوایل مرداد آغاز شده و تا پاییز ادامه داشت، نقش کلیدی در تسریع اجرای احکام اعدام داشته است. شهادت دادن زندانیان سابق که حمیدنوری (عباسی) را در زندانهای گوهردشت و اوین دیده و توسط او تحت شکنجه قرار گرفته‌اند، در جهت اثبات جرایم نسل‌کشی و کشتار انسان‌های بی‌گناه، گامی کیفی در راستای محاکمه سایر ناقضین حقوق بشر و ایجاد حساسیت برای جامعه جهانی است.

دادگاه رسیدگی به جرایم حمید نوری (عباسی) در نوع خود، دادگاه بی‌نظیری است؛ چرا که محاکمه یکی از اعضای حکومت جمهوری اسلامی است که هم‌اکنون بر ایران حکومت می‌کند و این پیام را به سایر رهبران و مسئولین جمهوری اسلامی می‌رساند که مصونیت بین‌المللی نخواهند داشت. این وظیفه بر تمامی مراجع حقوق بشر بین‌المللی است که حق حیات مردم ایران را به رسمیت شناخته و جدا از تمامی روابط سیاسی، کمیته حقیقت‌یاب در راستای فاجعه نسل‌کشی تابستان ۶۷ ایجاد کنند. این اقدام اولین قدم مهم و ضروری در راستای مقابله با ماشین اعدام جمهوری اسلامی می‌تواند باشد که روزانه چوبه‌های دار را در زندانهای مختلف برپا می‌دارد.

اعدام زندانیان سیاسی و عقیدتی هم‌اکنون هم در زندان‌های مختلف در ایران جریان دارد. جمهوری اسلامی در تمامی ۴ دهه حکومت نشان داده است که عقیده مخالفی را بر نمی‌تابد و باشدیدترین برخوردها با آنها مقابله می‌کند. در این دوره اعدام اقلیت‌های اقلیتی افزایش چشمگیری داشته است.

اگرچه در سالهای اخیر شاهد بودیم که فشارهای بین‌المللی باعث شد حکومت حاکم بر ایران تن به اصلاح قوانین صدور حکم اعدام برای اتهام مربوط به جرایم مواد مخدر بدهد و تعداد احکام اعدام کاهش یابد، اما این اقدام کافی نبود. چرا که اتهامات دیگری در قوانین مجازات اسلامی جمهوری اسلامی نوشته شده است که زندانیان زیادی بر اساس آن اعدام شده، یا در صف اعدام قرار گرفته‌اند. اتهامی چون قتل، زنا، به عنف، مفسد فی الارض، محاربه و... و حتی زندانیانی با اتهام مواد مخدر همچنان با صدور حکم اعدام مواجه می‌شوند.

اعدام کودک - متهمین یکی دیگر از اقدامات هولناک جمهوری اسلامی است که با وجود اعتراضات گسترده جامعه بین‌المللی همچنان ادامه می‌دهد. بازداشت نفراتی که به هنگام جرم‌انتهایی کمتر از ۱۸ سال سن داشتند، محاکمه و صدور حکم اعدام برای این کودکان و نگهداری آنها زیر حکم اعدام برای رسیدن به سن قانونی و اجرای احکام اعدام‌شان عملی ضدانسانی است. حکومت ایران با استفاده از شیوه‌های فراقضایی در صدد توجیه این عمل خود بوده و است.

در تمامی این سالیان تلاش فعالین حقوق بشر در راستای افشای هرچه بیشتر اعدام‌های صورت گرفته در زندانهای مختلف، روند ناعادلانه دادرسی محکومین به اعدام، و تعداد محکومین به اعدام و... بر این بوده است که جامعه جهانی را با واقعیت‌های موجود در زندان‌های ایران آشنا کند. با توجه به جو سرکوب و انقباض حاکم بر ایران که کوچکترین فعالیت‌های جرم محسوب شده و بازداشت، شکنجه، احکام سنگین و یا اعدام در پی دارد، این کار ساده‌ای نبوده و نیست. بسیاری از خانواده اعدام‌شدگان بخصوص در مورد زندانیان با جرایم عادی چنان از طرف حکومت مورد تهدید و آزار قرار گرفته و می‌گیرند که حاضر به صحبت در مورد آن نیستند و یا به دلیل نبود قوه قضاییه مستقل و عادل زندانیان زیر حکم اعدام از ترس اجرای حکم سکوت می‌کنند. گزارش پیش‌رو، آمار اعدام‌های صورت گرفته در ایران از ۱۱۰ اکتبر ۲۰۲۰ تا ۱۱۰ اکتبر ۲۰۲۱، تلاش فعالین حقوق بشر در لیگ حقوق بشر زندانیان ایران، در راستای افشای هرچه بیشتر و ارائه آمار اعدام‌ها در ایران است. معتقدیم که احکام اعدام اجرا شده بسا بیشتر از این میزان است.

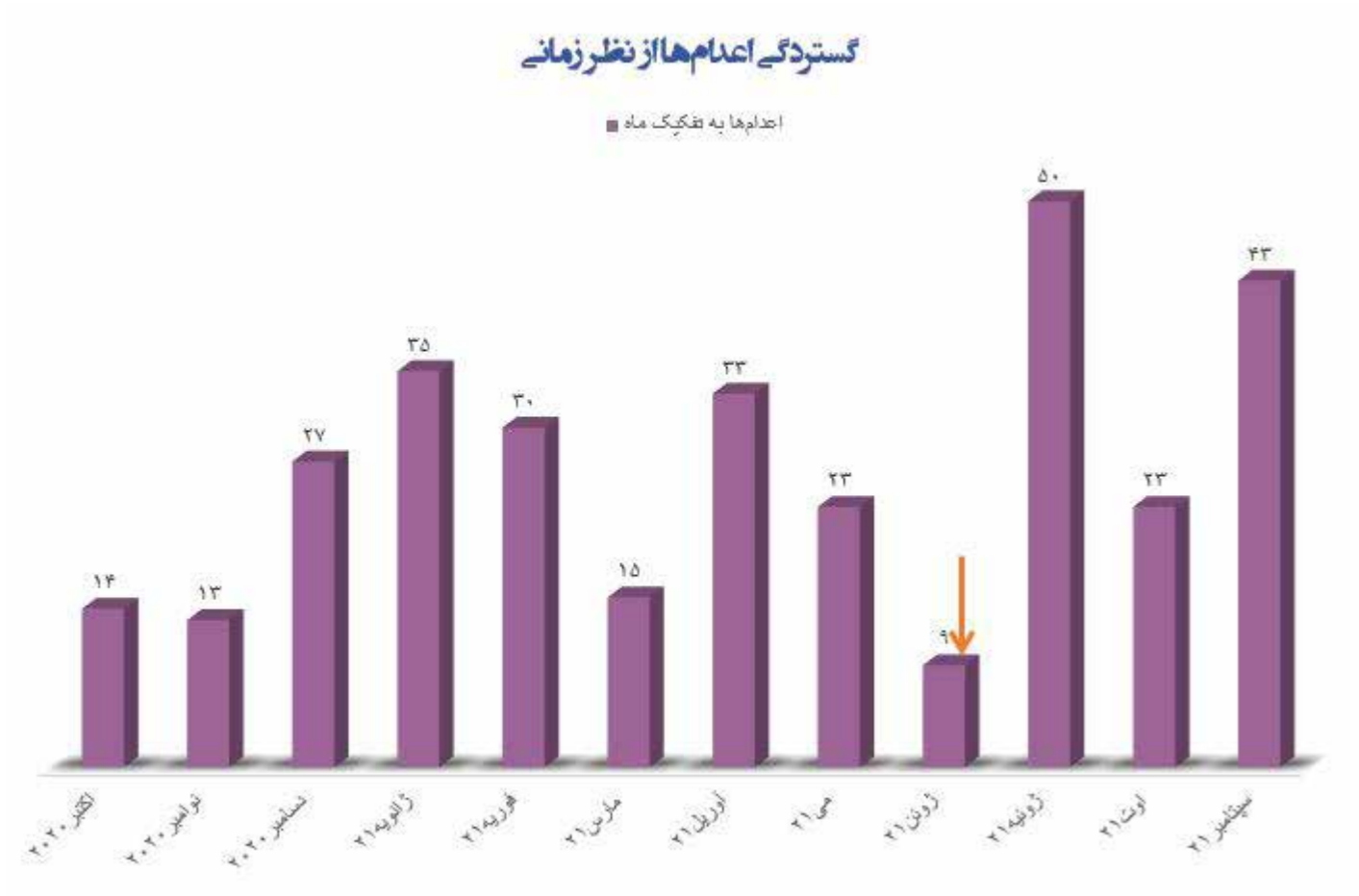
درخواست از جامعه بین‌المللی این است که با وجود ابراهیم رئیسی در مقام ریاست جمهوری و غلام‌حسین اژه‌ای در مقام ریاست قوه قضاییه احکام اعدام در ایران را جدی گرفته و تصمیمی قاطع برای عمل هدفمند و مشخص در راستای جلوگیری از روند اعدام‌ها در زندانهای ایران شوند.



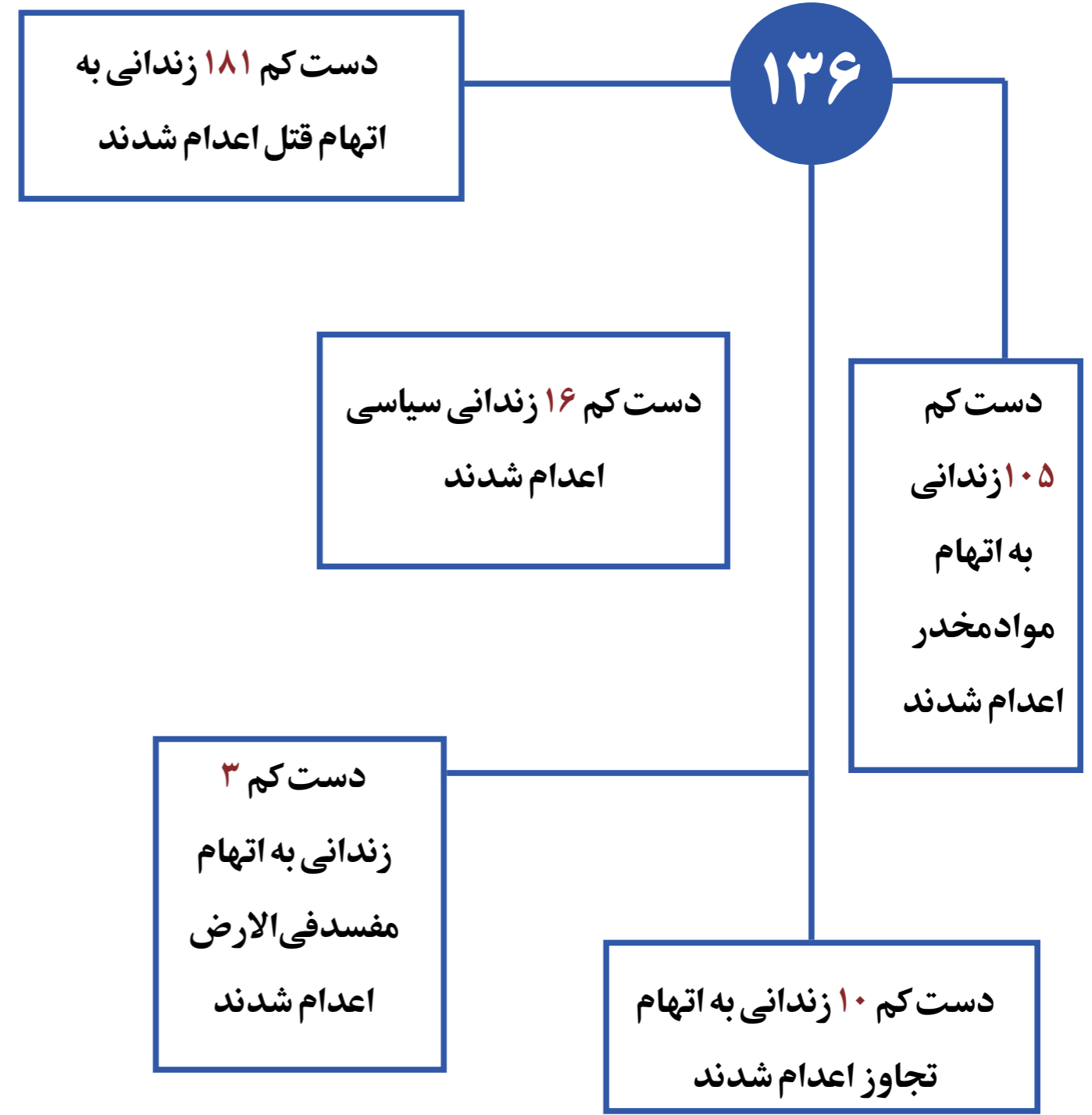
نگاه اجمالی به اعدام‌های صورت گرفته در یکسال اخیر (۱۰ اکتبر ۲۰۲۰ - ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱)

گسترده‌گی اعدام‌ها از نظر زمانی:

نمودار زیر تعداد اعدام‌های اجرا شده در زندانهای مختلف به تفکیک هر ماه نشان می‌دهد. افزایش اعدام‌ها در ماه ژوئیه درست بعد از انتخابات ریاست جمهوری و انتصاب ابراهیم رئیسی در این مقام صورت گرفته است. اعدام‌ها در آستانه انتخابات ریاست جمهوری به طور چشم‌گیری کاهش پیدا کرده بود.



حداقل زندانیان اعدام شده



یک زندانی به اتهام نامشخص اعدام شده است



نمودار زیر مقایسه آماری اعدام‌های اعلام شده حکومتی و اعدام‌هایی که توسط فعالان حقوق بشر جمع‌آوری شده است، را به تفکیک هر ماه نشان می‌دهد.

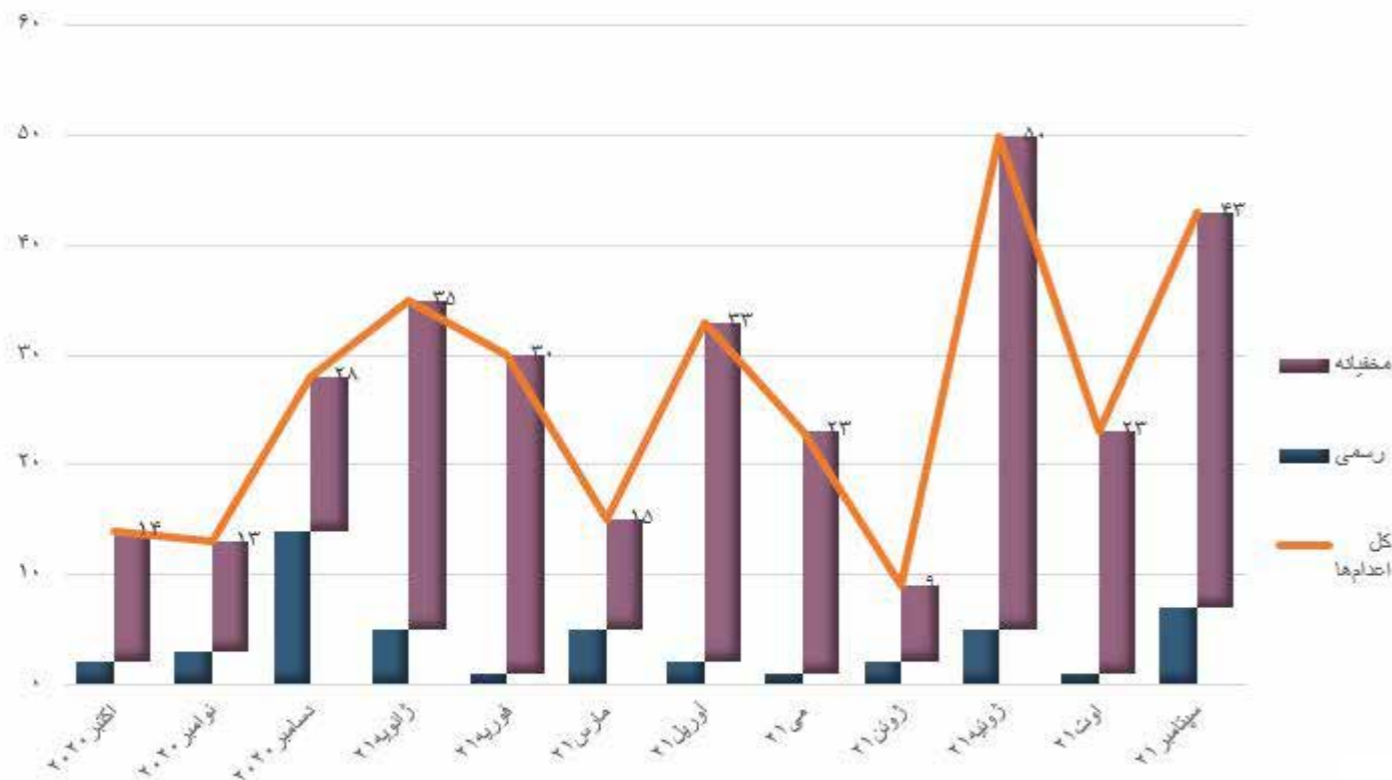
همانطور که از نمودار مشخص است تعداد اعدام‌های اعلام شده به طور رسمی بسیار پایین است. در ماه فوریه از ۳۰ اعدام صورت گرفته فقط یک مورد در رسانه‌های حکومتی منتشر شده است و یا در ماه آوریل از ۳۳ حکم اعدام اجرا شده تنها دو مورد توسط حکومت اعلام رسمی شده است و ۳۱ مورد دیگر توسط فعالین حقوق بشر افشا شده است. به دلیل مخفی نگه‌داشتن اجرای احکام اعدام، آمار واقعی اعدام به هیچ وجه تا کنون مشخص نشده است.

اعدام‌های رسمی و اعدام‌های مخفیانه:

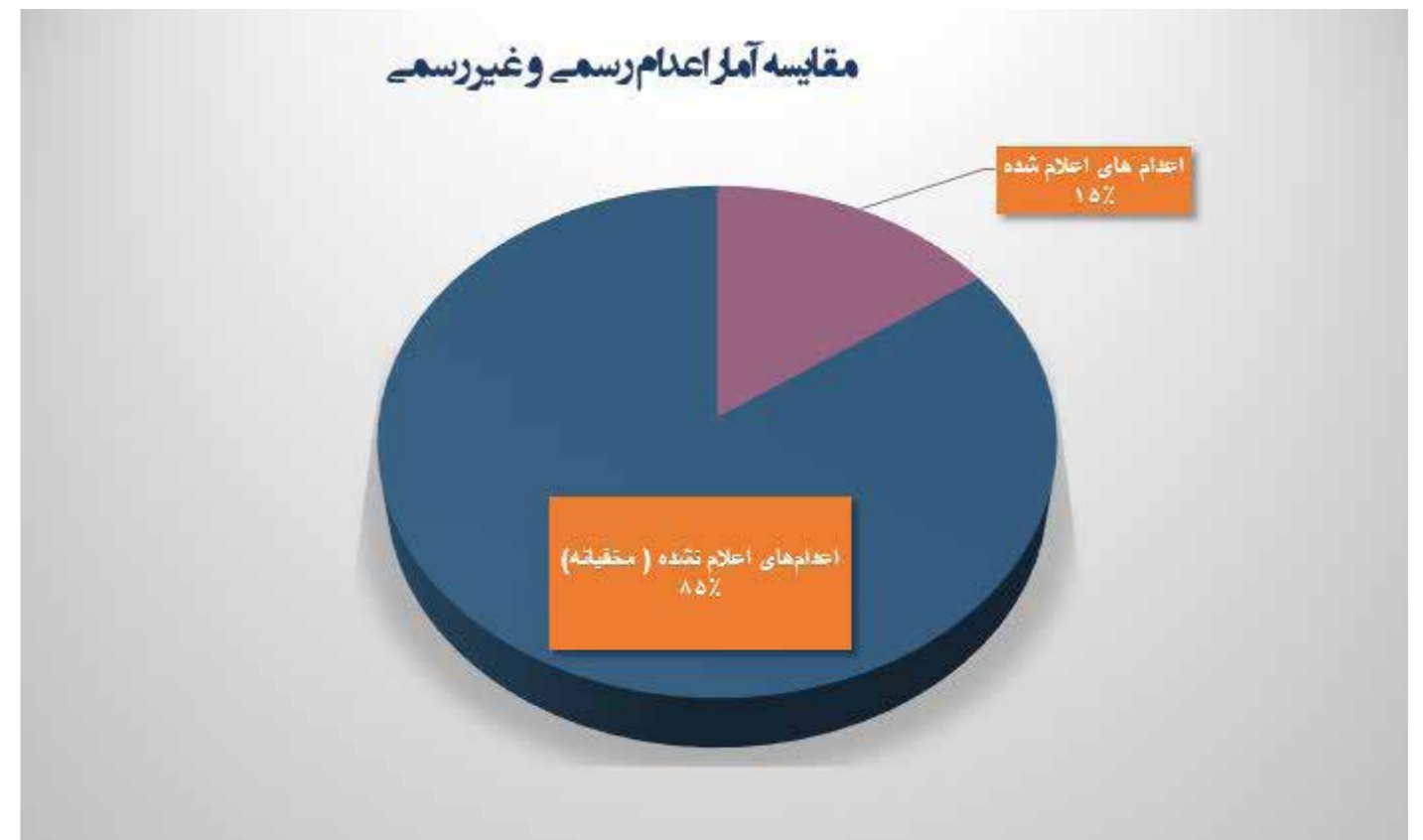
حکومت جمهوری اسلامی همواره به دلیل فرار از پاسخگویی در تلاش برای مخفی کردن اعدام‌ها است. تعداد اعدام‌هایی که به طور رسمی در رسانه‌های حکومتی منتشر می‌شود بسیار کمتر از آمار واقعی اعدام‌هاست. بر اساس آمار مرکز لیگ حقوق بشر زندانیان ایران از میان ۳۱۶ حکم اعدام اجرا شده در یک سال اخیر تنها ۴۸ مورد به طور رسمی در رسانه‌ها منتشر شده و ۲۶۸ مورد دیگر توسط فعالین حقوق بشر منتشر شده است. در واقع بیش از ۸۵ درصد اعدام‌های اجرا شده توسط مراجع قضایی جمهوری اسلامی بطور مخفیانه صورت گرفته است. ۲۶۸ مورد اعدام تنها مواردی است که فعالین حقوق بشر در ایران باریک خطرهای زیاد، توانسته‌اند افشا کنند. بی‌شک تعداد زیادی از اعدام‌های صورت گرفته هم‌چنان مخفی مانده است.

تلاش حکومت برای مخفی نگه‌داشتن آمار اعدام‌ها، فرار از پاسخگویی در مقابل سازمان‌های بین‌المللی است. چنانکه در گزارش اخیر جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران و گوترز، دبیر کل سازمان ملل به تداوم سیستماتیک اعدام‌ها اشاره شده و از حکومت ایران خواسته شده است که در راستای لغو حکم اعدام قدم بردارد.

مقایسه آماری اعدام‌های اعلام شده حکومتی و اعدام‌های اعلام شده توسط فعالان حقوق بشر



مقایسه آمار اعدام رسمی و غیررسمی



در یک مورد ده ماه بعد از اعدام یک زندانی با هویت «خضر قویدل» در زندان ارومیه به اتهام «جرایم مربوط به مواد مخدر» دیوان عالی کشور رای به نقض حکم اعدام داد. حکم اعدام این زندانی در حالی که روندادرسى به طور کامل انجام نگرفته و رای دیوان عالی کشور صادر نشده بود، در شهریور ۱۳۹۹ به اجرا درآمد و در ۱۴ تیر ۱۴۰۰ این حکم توسط دیوان عالی کشور نقض شد. وی در سال ۱۳۹۲ از بابت اتهامات مرتبط با «مواد مخدر» بازداشت و به اعدام محکوم شده بود.



«عکس مربوط به خضر قویدل که در شهریور ۱۳۹۹ به اتهام مواد مخدر در زندان ارومیه اعدام شد»

مقایسه آماری اتهام زندانیان اعدام شده در طول یکسال اخیر:

در طول یکسال اخیر (۱۰ اکتبر ۲۰۲۰ - ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱) زندانیان با عناوین اتهامی مختلفی به پای چوبه‌دار برده شده‌اند؛ قتل، مواد مخدر، محاربه، زنا، مفسد فی الارض از جمله اتهاماتی است که زندانیان در دادگاهها به اعدام محکوم می‌شوند.

در طول یکسال گذشته، ۵۷ درصد (۱۸۱ زندانی) از زندانیانی که به پای چوبه‌دار برده شدند، متهم به قتل بودند. به دلیل عدم شفاف بودن روند بازجویی و دادرسی تأییدی بر اثبات جرم قتل توسط بازجویان و دادگاه نمی‌توان داشت. صدور حکم اعدام برای متهمین قتل تحت عنوان «قصاص» در قوانین مجازات جمهوری اسلامی تعریف می‌شود. در صدور این حکم مقامات قضایی با دخیل دادن خانواده مقتول، سعی در شخصی و خصوصی کردن مجازات دارند. این در حالی است که در توضیح حکم قصاص آمده است: «اجرای قصاص نفس با درخواست اولیای دم و پس از طی مراحل استیذان و اذن مقام رهبری یا نماینده او صورت می‌پذیرد». اذن بالاترین مقام حکومت در اعدام، نشان می‌دهد خواستی حکومتی پشت احکام اعدام است.

حکم قصاص در حالی صادر می‌شود که قاضی به هرنحوی قاتل بودن متهم را اثبات کند. در صورت عدم وجود ادله کافی، مقامات قضایی از مراسم قسامه برای صدور حکم استفاده می‌کنند.

در طول یکسال اخیر، در مورد ۳ زندانی اعدام شده، قاضی به دلیل نبود مدارک و شواهد کافی و عدم اعتراف متهم علیرغم شکنجه‌های زیاد، از طریق مراسم قسامه حکم اعدام صادر کرده و حکم بعد از مدتی اجرا شده است.

قسامه نه تنها با اصول حقوق بشری و اصل برائت در تناقض است بلکه با اصول دادرسی عادلانه حقوق عرفی نیز هیچ تناسبی ندارد چرا که صدور حکم قصاص، بدون حصول اطمینان از مجرم بودن متهم به آسان‌ترین و البته فراقضایی‌ترین روش ممکن استناد می‌شود. در ادامه به جایگاه قسامه در قوانین مجازات اسلامی و تناقضات آن با باورهای حاکمان ایران بیشتر می‌پردازیم.

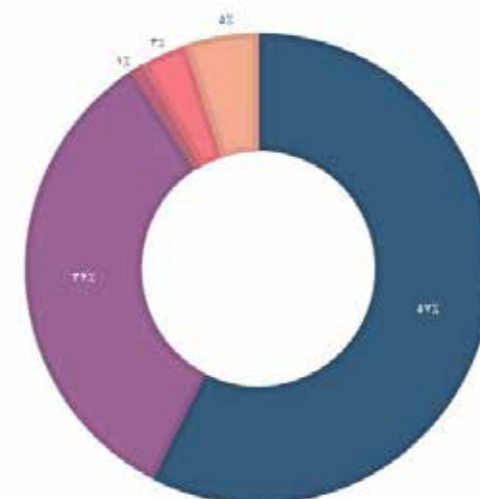
بعد از اتهام «قتل»، اتهام مربوط به «جرایم مواد مخدر» بالاترین آمار اعدام را به خود اختصاص داده است. علیرغم تصویب اصلاحیه قانون مجازات مربوط به جرایم مواد مخدر در سال ۱۳۹۶، اجرای احکام اعدام به همین اتهام در زندانهای ایران در جریان است. این درحالی است که تعدادی از نمایندگان مجلس هم به مخرب بودن و آسیب‌رسانی حکم اعدام برای جرایم مواد مخدر اذعان کرده‌اند.

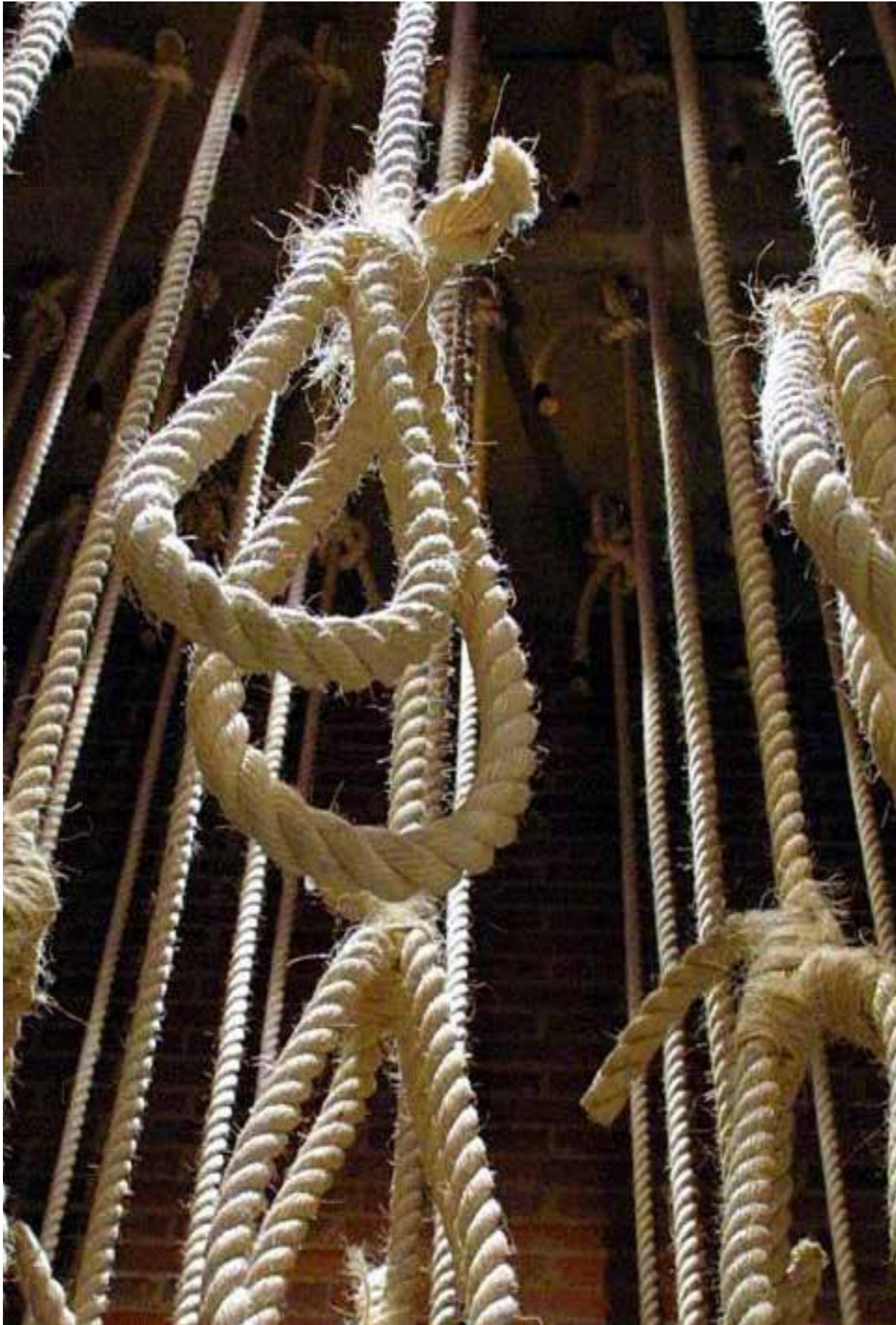
همچنین زندانیان بسیاری به دلیل مخالفت با حکومت و داشتن عقیده و باور متفاوت با حکومت در طول یکسال اخیر، هم به اعدام محکوم شدند و هم احکام اعدام آنها اجرا شده است. در طول یکسال گذشته ۱۶ زندانی سیاسی و عقیدتی در زندانهای ایران اعدام شدند.

دو شهروند به اتهام آنچه مقامات جمهوری اسلامی «توهین به مقدسات» می‌خوانند، در زندان اراک به اعدام محکوم شده‌اند. هویت این دو زندانی سیاسی یوسف مهرداد و سید صدرالله فاضلی زارع می‌باشد. حکم اعدام در روز ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ در زندان اراک به آنها ابلاغ شده است.

مقایسه آماری اتهام زندانیان اعدام شده

قتل ■ مواد مخدر ■ محاربه ■ مفسد فی الارض ■ زنا





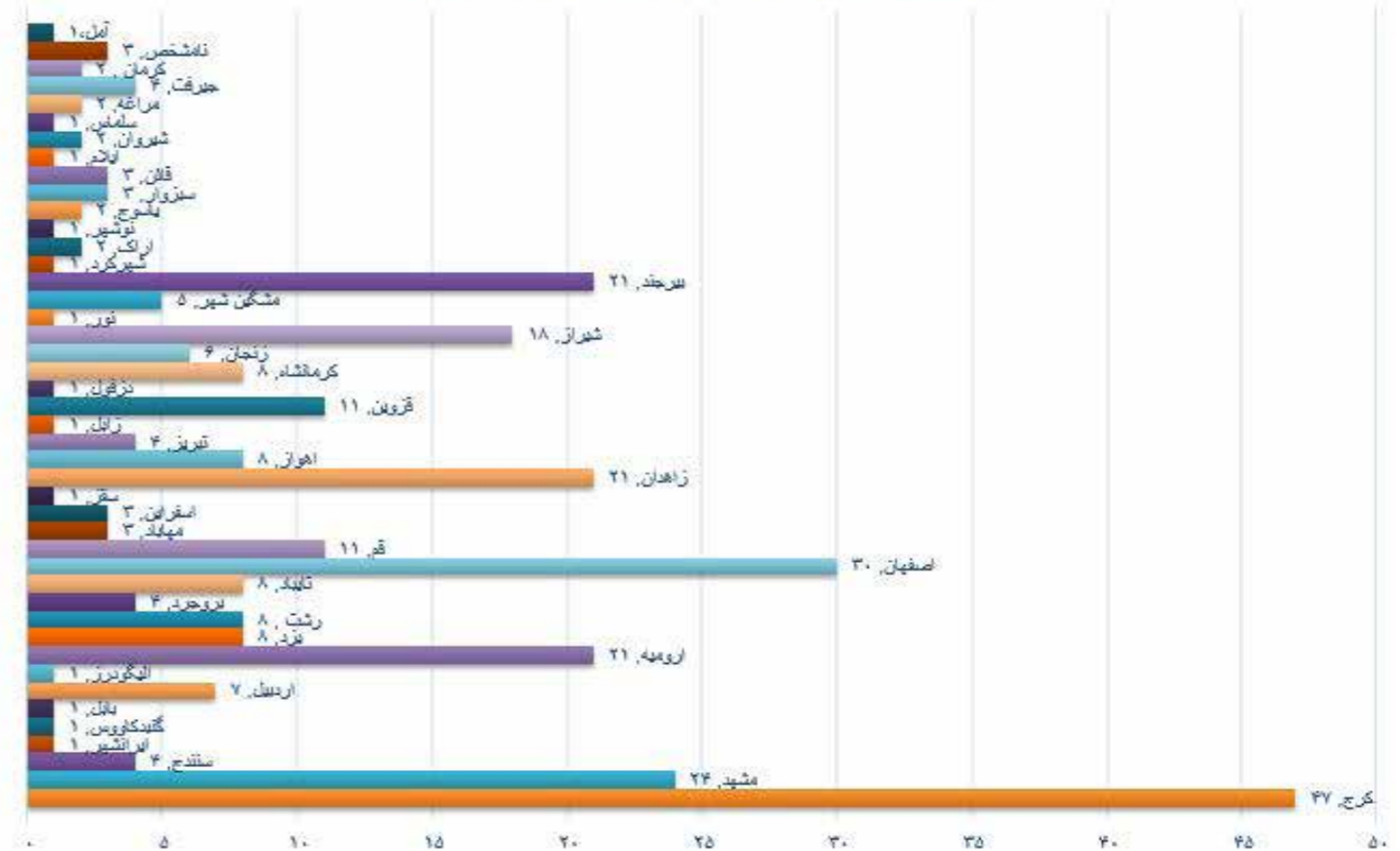
مقایسه آماری اعدام‌ها به تفکیک شهرها:

در یکسال گذشته در زندانهای دست کم ۴۴ شهر ایران، حکم اعدام اجرا شده است. شهر کرج با ۴۷ حکم اعدام بالاترین آمار اعدام را دارد. دو زندان رجایی شهر و زندان مرکزی کرج، محل اجرای احکام اعدام برای زندانیان زندانهای استان البرز و تهران محسوب می شود و اعدام شدگان از زندانهای مختلف تهران بزرگ، قرچک ورامین و کجویی به یکی از این زندانها منتقل شده و به پای چوبه دار برده می شوند.

زندان رجایی شهر کرج یکی از بدنام‌ترین زندانهای ایران است که به گفته شاهدین هر هفته روزهای چهارشنبه بدون استثنا حکم اعدام اجرا می شود.

شهرهای اصفهان، مشهد، زاهدان، بیرجند و شیراز از جمله شهرهای دیگری هستند که احکام اعدام اجرا شده در آن بالاست.

گسترده اعدام‌ها در یک سال گذشته از نظر جغرافیایی



اعدام زنان

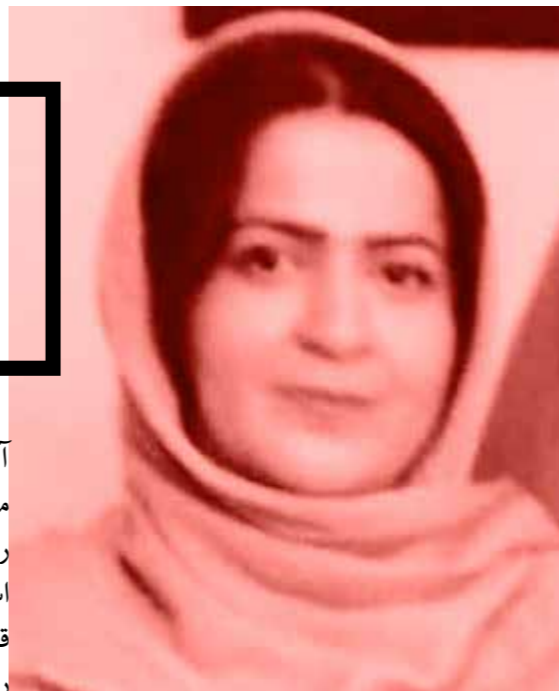
دست کم ۱۲ زن در یکسال اخیر در ایران اعدام شدند

در طول یکسال گذشته (۱۰ اکتبر - ۲۰۲۰ تا اکتبر ۲۰۲۱) دست کم ۱۲ زن در زندانهای مختلف اعدام شدند. اتهام این زنان اعدام شده اکثراً قتل بود.

زنان در جامعه ایران به دلیل نبود قوانین حمایت کننده تحت خشونت های بسیاری قرار می گیرند. قوانین حکومت جمهوری اسلامی یکی از زن ستیزانه ترین قوانین به حساب می آید. هیچ حمایتی از زنان در مقابل آزار و خشونت وجود ندارد. حق حضانت، حق طلاق، حق مسافرت، حق داشتن شغل همگی از زن سلب شده به همسر، پدر یا قیم او داده شده است. زنان برای طلاق روند بسیار سخت و طاقت فرسای را باید طی کنند و پذیرش درخواست طلاق از طرف زن در دادگاه با سدهای قانونی مواجه می شود.

این روند در مواجهه با زنان بازداشت شده در بازداشت گاهها و زندانها ضریب می خورد. شکنجه هایی که زنان بازداشت شده در بازداشت گاهها تحمل می کنند فراتر از تصور است. ضرب و شتم جسمی و تجاوز از رایج ترین برخوردهای ماموران امنیتی و آگاهی در مقابل زنان بازداشت شده است.

زنان برای اثبات بی گناهی خود هیچ راهی ندارند. روند دادرسی و دادگاه هم تماماً بر علیه این زنان هستند. در این گزارش به تعدادی از زنانی که اعدام شدند، اشاره می کنیم



**نفیسه پاک مهر - اعدام در زندان
تایباد - اتهام قتل همسرش**

**زهرا اسماعیلی - ۳۲ ساله -
دارای فرزند دختر - اعدام
در زندان رجایی شهر**

سحرگاه ۲۹ بهمن ۱۳۹۹ به اتهام قتل همسرش به دار آویخته شد. علیرضا زمانی، همسر زهرا اسماعیلی از مدیران کل وزارت اطلاعات بود و خشونت های بسیاری را علیه وی روا داشته بود. بنا به اظهارات نزدیکان زهرا اسماعیلی، در گواهی فوت وی علت مرگ ایست قلبی عنوان شده است. دلیل این موضوع این است که روز ۲۹ بهمن ۱۳۹۹، ۱۶ زندانی دیگر مقابل چشمان زهرا اسماعیلی به دار آویخته شدند و وی با دیدن این صحنه های اعدام سخته کرده و جان باخته بود. ولی با این وجود ماموران اعدام تن بی جان زهرا را به دار کشیدند.

**راضیه - ۳۳ ساله - اعدام در
زندان مرکزی مشهد**

به گزارش خبرگزاری رکنا، «راضیه» زن ۳۳ ساله، تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی بعد از جدایی از همسر دومش، در حالی که نمی توانست دو فرزند خردسالش را به تنهایی سر و سامان بدهد، در نیمه شب بیست و چهارم بهمن سال ۹۵ اقدام به قتل دو فرزند ۴ و ۸ ساله اش کرد. این زن سپس در دو پیامک تلفنی به خواهر خود نوشت: «من برای تو خواهر خوبی نبودم مرا ببخش...» و «به پدر بگویند جنازه های ما روی زمین نماند!» راضیه سپس با بریدن رگ ساعدش در کنار کودکان بی جان نشست. اما توسط خواهرش به بیمارستان منتقل شد و زنده ماند. وی بعد از بازداشت به اعدام محکوم شد و حکم اعدام وی روز ۲۲ مهر ۱۳۹۹ در زندان مرکزی مشهد اجرا شد.



تصویری از دو فرزند راضیه

**زینب خدامرادی، ۴۳ ساله -
در زندان سنندج اعدام شد**

وی به بیماری روحی و روانی مبتلا بود و قبل از بازداشت در بیمارستان روانی بستری بود. مرخصی او از بیمارستان روانی با رضایت همسرش صورت گرفته بود. گفته شده وی بلافاصله بعد از بیمارستان اقدام به قتل فرزندش کرده بود. اولیای دم ۷۰۰ میلیون تومان جهت رضایت از خانواده خدامرادی درخواست کرده بودند ولی این خانواده قادر به تامین این پول نشدند و زینب بعد از ۵ سال حبس، در ۲۴ مهر ۱۳۹۹ در زندان سنندج اعدام شد.



**مریم (معصومه) کریمی - در
زندان رشت اعدام شد**

۲۵ اسفند ۱۳۹۹، مریم (معصومه) کریمی که به اتهام «قتل عمد» همسر خود به اعدام محکوم شده بود، در پی عدم رضایت «اولیای دم» در زندان مرکزی رشت اعدام شد. بنا به گفته منابع مطلع: «حکم اعدام مریم توسط دخترش اجرا شده است».

**شمسی پیراستوان - اعدام
در زندان مرکزی قزوین**

او حدود ۷ الی ۸ سال پیش همراه همسرش در اتوبان قزوین - کرج بازداشت شده و در اولین جلسه دادگاه به اعدام محکوم شده بودند. خانم پیراستوان سال ۹۷ با اصرار خانواده اش در داخل زندان از طریق مراجع قضایی از یوسف طلاق گرفته بود. روز ۱۰ خرداد ۱۴۰۰ در زندان مرکزی قزوین اعدام شد



اعدام کودکان

ایران تنها کشور در دنیا است که کودکان زیر ۱۸ سال را اعدام می‌کند. گزارش گرویده حقوق بشر در امور ایران آقای جاوید رحمان و دبیرکل ملل متحد در گزارش‌های اخیر خود با اشاره به این اعدام‌ها، این اقدام جمهوری اسلامی را محکوم کرده‌اند. اما حکومت ایران برای لغو و متوقف کردن احکام اعدام کودکان به قاطعیت جهانی و عمل مشخص نیاز دارد.

در یک اقدام شرم‌آور، از ۱۰ اکتبر ۲۰۲۰ تا ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱، دست کم ۵ کودک_متهم به دستور مراجع قضایی ایران به چوبه‌های دار سپرده شده‌اند

ایران از جمله امضاء کنندگان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین کنوانسیون حقوق کودک است که بر اساس این معاهدات بین‌المللی، «افرادی که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن دارند هرگز نباید با مجازات اعدام یا حبس ابد بدون احتمال آزادی مواجه شوند».

مجید تفرشی، معاون امور بین‌المللی ستاد حقوق بشر قوه قضائیه اما اعلام کرده است: اعدام کودک مجرمان نقض حقوق بشر نیست.



بهالدین قاسم‌زاده کودک - متهم دیگری است که در تیر ۱۳۹۹ در زندان ارومیه همراه با برادر بیمارش، بعد از ده سال زندان، اعدام شد.

بهالدین و برادرش داوود در سال ۸۸ به اتهام قتل دو نفر در یک درگیری طایفه‌ای بازداشت شدند. وی در همان زمان ۱۵ سال سن داشت و در سال ۸۹ در دادگاه اتهام انجام هر دو قتل را به عهده گرفت. در همان روز پس از خروج از دادگاه از دست مأموران گریخت و به کردستان عراق رفت. بعد از فرار وی مأموران امنیتی خواهر، مادر و برادر دیگری را دستگیر و به زندان ارومیه منتقل کردند و خواستار بازگشت بهالدین در قبال آزادی خانواده‌اش شدند. بهالدین نیز پس از یک ماه به کشور بازگشت. در این مدت به دلیل ضرب و شتم شدید، داوود قاسم‌زاده دچار آسیب‌دیدگی در ستون فقرات و نخاع شد.

عفو بین‌الملل روز قبل از اعدام این کودک - متهم طی بیانیه‌ای خواستار لغو حکم اعدام وی شد. عفو بین‌الملل همچنین به شکنجه‌های این کودک - متهم نیز اشاره کرده بود: «بخشی از ادله‌ی محکومیت وی شامل «اعترافات» می‌شود که بنا به گفته بهالدین قاسم‌زاده از طریق شکنجه در بازداشت‌گاه پلیس آگاهی ارومیه از وی گرفته شده است. وی در دوران بازجویی از دسترسی به وکیل نیز محروم بوده است.»

ابراهیم شه‌بخش در سن ۱۷ سالگی به اتهام مواد مخدر بازداشت و به اعدام محکوم شده بود. وی پس از تحمل ۶ سال حبس در سن ۲۳ سالگی در زندان اصفهان اعدام شد. روز ۲ مرداد ۱۳۹۹ مسئولان زندان اصفهان طی تماسی به خانواده ابراهیم اطلاع دادند که برای آخرین دیدار به زندان مراجعه کنند.



عبدالله محمدی روز ۱۲ آذر ۱۳۹۹ در زندان یزد اعدام شد. وی هنگام بازداشت ۱۶ سال سن داشت و دو سال در کانون اصلاح و تربیت یزد، محل نگهداری کودکان متهم به جرایم عمومی، نگهداری و بعد به زندان یزد منتقل شده بود. عبدالله محمدی به اتهام قتل زندانی بود و خانواده مقتول یک میلیارد تومان جهت رضایت طلب کرده بودند. خانواده عبدالله توان تامین مبلغ دیه را نداشتند و بنابراین شاهد اعدام فرزندشان شدند.



سجاد سنجرى کودک - متهم دیگری است که در ۱۱ مرداد ماه ۱۳۹۹، به طور مخفیانه در زندان دیزل آباد کرمانشاه اعدام شد. وی در سال ۹۰ و در ۱۵ سالگی، از بابت اتهام قتل بازداشت و به اعدام محکوم شده بود.

اعدام او بعد از ده سال حبس، مخفیانه بدون اطلاع خانواده‌اش صورت گرفت. در دیماه ۱۳۹۵ سخنگوی کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد از مقامات جمهوری اسلامی خواسته بود که حکم اعدام سجاد سنجرى، نوجوان متهم به قتل را متوقف کنند.

اعدام زندانیان سیاسی و عقیدتی

در طول یکسال اخیر ۱۶ زندانی سیاسی و عقیدتی در زندانهای مختلف اعدام شدند



”**حسن دهوری و الیاس قلندرزی** و دو زندانی سیاسی محبوس در زندان زاهدان که تحت عنوان بی پایه (شورو و اقدام به تروریسم) توسط جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده و حکم هر دو در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۹۹ در این زندان اجرا شد. این دو متهم اما پیش از این بار اتهامات، اعلام کرده بودند که صرفاً به خاطر فعالیت سیاسی و طرح مطالبات اقوام و برای وادار کردن اعضای خانواده‌شان به بازگشت به کشور یا توقف فعالیت آنها، به گروگان گرفته شده و سپس به اعدام محکوم شده‌اند.

حکم اعدام حسن دهوری و الیاس قلندرزی در حالی اجرا شد که محمدرضا فقیهی، وکیل پرونده، به دلیل وجود اشکالات قضایی در روند دادرسی و صدور حکم، خواهان توقف «اجرای عجولانه حکم اعدام» موکلان خود شده بود. وی یک روز پیش از اجرای حکم اعدام این دو زندانی سیاسی اعلام کرده بود که به دلیل اشکالات قضایی خواستار بازبینی پرونده شده است. وی خطاب به مقامات قضائی گفته بود: «دست نگه دارید درخواست اعاده دادرسی داده‌ام.» (امتداد نیوز-۱۳ دی ۱۳۹۹)

”**روح الله زم**، روزنامه‌نگار و مدیر کانال تلگرامی «آمد نیوز» از کشور عراق توسط نیروهای امنیتی ربوده شده و در یک دادرسی ناعادلانه و غیر شفاف به اعدام محکوم شد و بدون گذراندن مراحل دادگاه تجدیدنظر در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۹۹ به طور مخفیانه اعدام شد. “



”**سه زندانی سنی مذهب به نام‌های حمید راست بالا، کبیر سعادت جهانی و محمدعلی آرایش** در زندان وکیل آباد مشهد به طور مخفیانه با اتهام «بغی از طریق عضویت در گروه سلفی حزب الفرقان و عضویت در جبهه همبستگی ملی اهل سنت ایران» اعدام شدند. هر سه اعدامی اهل استان گلستان بودند ۳۶ حمید راست بالا فرزند جلال، اهل گلستان، ۳۶ ساله، متاهل و دارای دو فرزند بود. “



”**حکم اعدام عبدالحمید میربلوچ زهی**، در حالی که وکیل از اعاده دادرسی پرونده او خبر داده بود، سحرگاه ۶ دی ۱۳۹۹ در زندان زاهدان اجرا شد. اتهام او دست داشتن در یک تیراندازی بود که به قتل دو مامور سپاه پاسداران منجر شد. مصطفی نیلی، وکیل این زندانی عقیدتی دو روز پیش از اجرای حکم، از اعاده دادرسی او خبر داده بود. نیلی در تویترش نوشته بود که تقاضای اعاده دادرسی در سامانه سیستم قضایی ثبت شده و منتظر ارجاع به شعبه است.



اعاده دادرسی #حمید_میربلوچ_زهی از طریق سامانه خدمات قضایی ثبت شده و منتظر ارجاع آن به شعبه هستیم ولی امروز خانواده ایشان اطلاع دادند که وی از بند عمومی #زندان_زاهدان خارج شده و از اجرای حکم اعدام بیم داشتند. از مقامات قضایی تقاضا دارم در صورت صحت خبر، اجرای حکم را متوقف کنند.

3:23 PM · Dec 24, 2020

407 9 Share this Tweet

”**جاوید دهقان خلد**، زندانی سیاسی محکوم در ۱۱ بهمن ۱۳۹۹ به پای چوبه‌دار برده شد. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد از مقام‌های ایرانی خواسته بود تا اعدام جاوید دهقان را متوقف کنند. سازمان عفو بین الملل هم خواستار توقف حکم اعدام جاوید دهقان شده و گفته بود آقای دهقان در روند دادرسی، محاکمه و تجدید نظر با نقض تکان دهنده حقوق خود روبرو بوده است. عفو بین الملل گفت دادگاه برای محکوم کردن آقای دهقان از «اعترافاتی» که تحت شکنجه گرفته شده بود استفاده کرد. (عفو بین‌الملل - ۹ بهمن ۱۳۹۹)

”**جاسم حیدری، علی خسرجی، حسین سیلاوی و ناصر خفاجیان** از شهروندان عرب اهوازی سحرگاه روز شنبه ۱۰ اسفند ۹۹ اعدام شدند. این چهار زندانی در مدت بازداشت مورد شکنجه قرار گرفته بودند و در طی مراحل دادگاه به وکیل انتخابی دسترسی نداشته‌اند. عفو بین الملل طی بیانیه‌ای از مقامات ایران خواستار توقف حکم این زندانیان سیاسی شده بود. طبق بیانیه ی عفو بین الملل «سه زندانی عرب اهوازی محکوم به اعدام در زندان شیپان اهواز، استان خوزستان - علی خسرجی، حسین سیلاوی و جاسم حیدری - از روز ۴ بهمن ۱۳۹۹، در اعتراض به شرایط زندان، منع ملاقات با خانواده‌های خود و تهدید دائمی به اعدام، لب‌های خود را به هم دوخته و دست به اعتصاب غذا زده‌اند. یک زندانی عرب دیگر به نام ناصر خفاجیان، از فروردین ۱۳۹۹ در وضعیت ناپدیدشدگی قهری به سر می‌برد، و بدین ترتیب، در معرض خطر شکنجه و اعدام مخفیانه قرار داد.» این ۴ زندانی سیاسی موقع اعدام در اعتصاب غذا بودند. “



سیکل معیوب اعدام

< نوشته شده توسط زندانی سابق در زندان رجایی شهر

حال و هوای زندان چهارشنبه ها جور دیگری بود. مغلمه ای از خوف و رجاء. خوف به خاطر اینکه ممکن بود دوست، همبندی، هم سلولی و کسی که سالیان سال با او زیر یک سقف خاطرات تلخ و شیرینی را از سرگذرانده‌ای، دیگر برنگردد و رجاء بخاطر آنکه ممکن است او توانسته باشد در پای جوبه دار، دل دادستان و خانواده شاکی را به رحم آورده و یا با وعده‌ای، کمی تاریخ اجرا را به تاخیر انداخته باشد

یکبار زندانی را دیدم که بعد از ۱۷ سال زندان برای اجرای حکم به پای جوبه دار رفته بود. او عموعلی بیچه اسلامشهر بود. وی به خاطر قتل همسرش محکوم به قصاص با طناب دار بود و فرزندان او شاکیانش بودند. رد پیری و سفیدی موهایش ۱۷ سال زندان او را به رخ همگان می کشید. او همیشه مقداری از اندک جیره برنج زندان را برای کفترهایش کنار می گذاشت. هر روز عصر گنجشک ها و کبوتران بر روی سیم های خاردار که بر بالای دیوارهای ۸ متری هواخوری کشیده شده بود، بی صبرانه به انتظار او می نشستند. عمو علی با قامتی کوتاه هر روز بعد از ظهر با شلوار شیرازی و دمپایی های پلاستیکی و زیر پیراهن آبی دولتی که هر چند ماه یکبار زندان به زندانیان می داد، به همراه یک کاسه برنج در کنج هواخوری بعد از ریختن غذا برای کبوتران به تماشای آنها می نشست. همیشه غذا خوردن کبوترها و بال زدن آنها به سمت آسمان او را به وجد می آورد. او در دلش با آنها سخن می گفت و همیشه ورد زبانش این بود که این کفتران از آنسوی دیوارها برایش

برایش خبر می آورند. آخر سالها بود که از طرف فرزندان طرد شده بود و هیچ ملاقاتی و کسی که بتواند به او تلفن بزند را نداشت. او سالها پیش تنها خواهر خود که هر چند ماه یکبار بعد از کلی دعوا و مرافه با شوهرش بخاطر ملاقات با برادر قاتلش، می توانست به زندان بیاید، را بر اثر بیماری از دست داده بود و حالا کفترها و گنجشکها تنها همدمان و مونس او بشمار می رفتند. او چهارشنبه ای رفت و دیگر هرگز برنگشت. شاکیان او دو دخترش بودند که بعد از ۱۷ سال خواهان اجرای قصاص او شده بودند.

علیرضا جوانی ۲۷-۲۸ ساله بود که بیچه بالای شهر تهران، ورزشکار بود و بسیار خوشتیپ و خوش رو. به دلیل اینکه در خانواده ای مرفه دنیا آمده بود و از وضع مالی خوبی برخوردار بود همیشه خوش پوش بود ولی آنقدر معرفت داشت که دست سایر همبندیان تنگدشت خود را هم بگیرد. او هم بدلیل قتل نامزدش در سن ۲۰ سالگی محکوم به قصاص با طناب دار بود. دوشنبه روزی او را به زیرهشت فراخواندند و گارد زندان به او حمله ور شد و با زدن دستبند و پابند و کشیدن کیسه برزنتی سیاهی بر روی سرش همراه با ضرب و شتم و باتوم او را کشان کشان به سلولهای انفرادی بند ۵ بردند. وحشت و ترس و بهت از این همه وحشی گری ماموران زندان زبانم را بند آورده بود و زانوهایم را سست کرده بود. در چشم بهم زدنی علیرضا را هم بردند. تازه فهمیده

بودم که چرا زندانیانی که پرونده قصاصشان به جریان افتاده بود، همیشه از زیر هشت رفتن حذر می کردند و حتی المقدور سعی میکردند خود را از جلوی چشمان زندانیان دور نگه دارند و اصطحاکاکی با زندان پیدا نکنند. علیرضا هم در چهارشنبه به سالن اعدام رفت و دیگر هرگز برنگشت.

حمید بیچه افسریه تهران و آهنگر بود. او برای اینکه پسرش از سربازی معاف شود از همسرش بصورت صوری طلاق گرفته بود تا پسرش حضانت مادرش را بر عهده گیرد و از سربازی معاف شود. بعد از معافیت پسر، همسر حمید حاضر به ازدواج مجدد با او نشده بود و با فرد دیگری آشنا شده بود و حمید پس از فهمیدن ماجرا مرتکب قتل همسرش شده بود. یکبار وسط ظهر در تابستان در هواخوری او را کز کرده در گوشه هواخوری یافتم. مشغول راز و نیاز و ذکر گفتن بود و از خدا بابت اشتباهش استغفار می کرد. او بدلیل دیابت شدیدی که داشت سوی چشمانش کم شده بود و تا نزدکیش نشدم مرا تشخیص نداد ولی من صدای ضبچه های او را می شنیدم. تنها پسرش به او رضایت داده بود ولی پدر و برادران همسر سابقش خواهان قصاص او بودند. پسرش بارها از پدر بزرگ و دایی هایش با التماس خواسته بود تا از خیر قصاص پدرش بگذرند و به آنها گفته بود که من مادرم را از دست داده ام لااقل بگذارید پدرم زنده بماند ولی آنها حاضر به رضایت نبودند و خواهان قصاص بودند. تنها دلخوشی حمید پسرش بود. قبل از اعدام که نزدیک شدن موعد آن را احساس کرده بود، کلیه وسایل خود را از آینه، یخچال، فرش و ... را فروخت و پول آن را برای پسرش فرستاد. حمید نیز چهارشنبه روزی رفت و هرگز دیگر برنگشت ...



در زندان رجایی شهر موعد اعدام ها سحرگاه چهارشنبه ها بود

اگر زندانی که برای اعدام رفته بود تا آمار صبح چهارشنبه به سالن و بند خود بر میگشت، موقتا از اعدام گریخته بود و اگر برنمی گشت یعنی اینکه او به دار آویخته شده بود. هر چهارشنبه در زندان مراسم عزاداری بود. پارچه ای سیاه بر سر در اتاق زندانی اعدام شده آویخته می شد و صدای صوت قران برای آمرزش متوفی به هوا برمی خاست. هم اتاقی و دوستان او به عزای وی می نشستند و حلوا درست می کردند و خرما پخش می کردند.

همیشه فروشگاه زندان پر بود از خرما و آرد و روغن و شکر برای درست کردن حلوا. چهارشنبه ها در زندان واقعا روز غریبی بود. از محل زندگی زندانیان تا سالن اعدام شاید کمتر از ۲۰۰ متر بود و این فاصله کوتاه در حکم مرگ یا زندگی انسانها بود.

زندانیانی که موعد اعدامشان نزدیک بود هر لحظه و ثانیه، می مردند و زنده می شدند. در درون خود فرو میرفتند و له میشدند و گاهی نیز پرخاشجو و خشن میشدند. متأسفانه سیستم قضاییه در ایران در نبود دادرسی عادلانه و شفاف بدون در نظر گرفتن شرایط ساختاری و اجتماعی ایجاد جرم و بزه تنها و تنها با صادر کردن حکم اعدام بدنبال پاک کردن صورت مسئله و تدام فضای اختناق و سرکوب می باشد. تجربیات بسیاری در بعضی کشورها و از جمله ایران نشان داده است که انجام مجازات اعدام نتوانسته به کاهش جرم و جنایت در جامعه منجر شود بلکه فقط و فقط منجر به تداوم و تکثیر سیکل معیوب خشونت از طرف حکومت شده است. حقیقتا مجازات اعدام عملی ضد بشری و ضد انسانی است و انجام آن شایسته جامعه انسانی نیست. هر انسان دمکرات و ازادخواهی منطقی می بایست مخالف حذف زندگی انسانها باشد و بدون هیچ شبهه ای برای لغو آن در ایران و جهان می بایست فعالیت کند. دفاع از حق زندگی، مبارزه برای اخلاقی کردن و عقلانی کردن قوانین کیفری گامی در جهت دموکراتیک کردن جامعه و دولت است هر انسانی باید فعالانه برای لغو مجازات اعدام و تجاوز به حقوق بنیادی انسان فعالانه تلاش کند.

جایگاه حقوقی قسامه در قوانین کیفری

نگاه یک حقوقدان

۱۸ مهر برابر با روز جهانی مبارزه با اعدام است. امسال نیز در حالی برای تحقق چنین هدفی در تلاشیم که در طول یکسال گذشته دست کم ۳۱۶ زندانی در ایران اعدام شده اند. این آمار جدای از اعدام های پنهانی است که در آمارها نمی آید. امسال نیز بیشترین اعدام ها مربوط به قتل عمد با ۱۸۱ مورد محکومیت به قصاص بود. یکی از ادله اثبات قتل که مورد استناد در برخی احکام صادره قرار گرفت قسامه بود. علاوه بر موارد قبلی در چند روز اخیر نیز یک زندانی در کرمانشاه بعد از تحمل ۱۳ سال حبس به استناد قسامه به قصاص محکوم و متأسفانه حکم صادره اجرا گردید. در این مقاله قصد داریم جایگاه قسامه را که نوع خاصی از سوگند است و در مواد ۳۱۲ تا ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی به تفصیل به آن اشاره شده است در رابطه با قتل بصورت اجمالی مورد کاوش قرار دهیم:

۱- در نظام های کیفری اصل بر برائت است بدین معنی که هیچ فردی مجرم نیست مگر اینکه خلافش ثابت شود. این موضوع در اصل ۳۷ قانون اساسی نیز گنجانده شده است. اما در قانون مجازات اسلامی در مورد ادله اثبات جرم قتل مسئله متفاوت است. در این قانون موضوعی تحت عنوان لوث وجود دارد، بدین معنی که اگر قرائن و دلایل برای اثبات وقوع جرم کافی نباشد ولی گمان به راست بودن آن وجود داشته باشد. در آن صورت با عدم وجود ادله کافی در وقوع قتل به تشخیص قاضی با قسم خوردن ۵۰ نفر فرد ذکور از خانواده مقتول، فرد مورد ادعا به قصاص نفس محکوم خواهد شد. نکته قابل توجه اینکه طبق ماده ۳۴۰ قانون مجازات اسلامی: لازم نیست ادا کننده سوگند، شاهد ارتکاب جنایت بوده باشد و علم وی به آن چه بر آن سوگند یاد می کند، کافی است. همچنین، لازم نیست قاضی، منشأ علم ادا کننده سوگند را بداند و ادای علم ادا کننده سوگند، تا دلیل معتبری بر خلاف آن نباشد معتبر است. یادآوری می شود که ممکن است قسم خوردندگان هرگز متهم را ندیده و شاهد عینی قتل نباشند اما به صرف ادای سوگند، یک شخص به قصاص محکوم می شود. پرواضح است در جامعه ای که بخشی از مردم برای گذران زندگی روزمره خود حاضر به فروش اعضای بدن خود می شوند شاکی متمکن براحتی می تواند چنین شهودی را فراهم کند.

۲- در تمامی دعاوی اصل براین است که بار اثبات دعوی برعهده مدعی است اما قسامه استثنایی بر آن است. یعنی مدعی علیه یا متهم باید بی گناهی خود را با سوگند اثبات کند. کیفیت اجرای قسامه بدین نحو است که از متهم درخواست ارائه دلیل بر بی گناهی می شود و بدین ترتیب اصل برائت به وضوح نقض شده است. اگر متهم نتوانست بر بی گناهی خود دلیل بیاورد از مدعی درخواست می شود که برای اثبات ادعایش، قسامه را جاری کند؛ اگر مدعی قسامه را اجرا کرد ادعایش اثبات و متهم به قصاص محکوم می شود.

نکته: قسامه نه تنها با اصول حقوق بشری و اصل برائت در تناقض است

بلکه با اصول دادرسی عادلانه حقوق عرفی نیز هیچ تناسبی ندارد چرا که صدور حکم قصاص، بدون حصول اطمینان از مجرم بودن متهم به آسانترین روش ممکن استناد می شود. تناقض آشکار حتی با قواعد حقوقی فقه اسلامی اینجاست که در بحث حدود این قاعده وجود دارد که کوچکترین شبهه در اثبات جرم، منجر به بسته شدن پرونده می شود. چگونه است که در موضوع

مهمی مانند قصاص این میزان از سهل گیری وجود دارد، که خود جنایتی در مورد مظنون و سلب حیات یک انسان بوده و در طول مدت حاکمیت جمهوری اسلامی به قصاص بسیاری از افراد بی گناه انجامیده است.

نکته دیگر اینکه: دردنیای پیشرفته کنونی که برای اثبات جرم روشهای دقیق و علمی وجود دارد و تجارب سایر کشورها دستاوردهای مهم و قابل استفاده ارائه می دهد، استناد و اصرار به چنین شیوه ای کدام توجیهی منطقی می تواند داشته باشد غیر از اینکه بیانگر ماهیت حاکمیت رژیم سرکوبگری است که از سلب حیات انسانها بعنوان سوژه ای برای نشان دادن اقتدار حاکمیت خود بهره می برد.

نکته آخر: در بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی بر عدم تساوی شهروند مسلمان و غیر مسلمان تأکید شده است و به تبع آن در موادی که به قانون قسامه اشاره می کند نیز همین تبعیض دیده می شود. اصولاً بنیاد آئین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی بر تفاوت حقوق مسلمان و غیر مسلمان و البته زن و مرد بنا گذاشته شده است تبعیض دینی و تفاوت اعتبار سوگند زن و مرد در قانون قسامه نیز اعمال می شود.

۶۶ از متهم درخواست ارائه دلیل بر

بی گناهی می شود. اگر متهم نتوانست

بر بی گناهی خود دلیل بیاورد از مدعی

درخواست می شود که برای اثبات ادعایش،

قسامه را جاری کند؛ اگر مدعی قسامه را اجرا

کرد ادعایش اثبات و متهم به قصاص محکوم

می شود.



وطن، گناه کار یا بدون گناه اعدام میشن". همچنین از اعدام به عنوان یک قانون متحجرانه و غیر متمدن یاد می‌شود: "فقط ایران و افغانستان اعدام و سنگسار وجود داره".

گفته‌های شاهدان اعدام را می‌توان این چنین جمع بندی و خلاصه کرد که هر انسانی علی‌رغم ارتکاب عمل خلاف قانون، همچنان حق زندگی کردن دارد و دیگران نمی‌توانند تحت عنوان شاکی و قانون درمورد زنده بودن انسان‌ها تصمیم بگیرند. همچنین ارتکاب جرائم سنگین مانند قتل و فروش مواد مخدر نیز نمی‌تواند نقض حق انسانی متهمان را توجیه کند چرا که شرایط اجتماعی همچون فقر و بیکاری خود زمینه ساز ارتکاب جرم بوده و نمی‌توان تنها مجرم را مقصر دانست. گذشته از این مواردی هم وجود دارد که فرد اگرچه بیگناه بوده، تنها با "گردن گرفتن جرم" اعدام شده درحالی که بی گناه بوده است. در انتها با رویکرد لحظات سخت اعدامیانی می‌توان به تجربه یکی از شاهدان اعدام که خود به تازگی از حکم اعدام رهایی یافته اشاره کرد. وی شاهد "ترس"، "پشیمانی" و "ناراحتی" افرادی بوده که در زندان حکم اعدام خود را دریافت کرده اند، به احساسات عمیقی اشاره میکند که ابلاغ حکم اعدام در او ایجاد کرده به نوعی که اگرچه فرد هنوز زنده است اما مرگ بر حیاتش سایه افکنده: "هر لحظه چشم براه اعدامی" و بارها مرگ را تجربه می‌کند با "خواب طناب و چوبه دار" مبانی حقوق بشری مربوط به اعدام در این گفته خلاصه می‌شود که: "خلاف، خلافه و اشتباه و اشتباه بزرگ تر اعدام و گرفتن جان یک انسانه". اگرچه در این نوشتار بنا بود به لحظات سخت اعدامیانی و خانواده‌های آنها در سایه چوبه دار پرداخته شود. با این حال تفکیک جرائمی که به نگارنده تحمیل شد، این نتیجه را در پی داشت که متهمان جرائم سنگین خود قربانی شرایط اجتماعی هستند و محترم شمردن جان انسان‌ها و حق حیات باید برای همه ی افراد فارغ از نوع جرم مورد تاکید قرار گیرد.

خانواده‌های در سایه چوبه دار

نوشته یک پژوهشگر اجتماعی

مقدمه

۳ سال پیش از این زانیار مرادی در نامه‌ای نوشت: «۹ سال گذشت. ۹ سال که شب و روزش را با حکم یر انسانی اعدام سپری کردم. در این مدت طولانی همیشه چند متر طناب و چند تکه چوب را در کنارم احساس کردم و خیلی شب‌ها حتی به دار آویزان شدن خود را دیده‌ام. ۹ سال است که شب و روزش به چوبه دار و طنابی که قرار است آن را به دور گردنم ببندازند می‌اندیشم». سوالاتی در مواجهه با این متن به ذهن انسان خطور می‌کند. از جمله اینکه ابلاغ حکم اعدام به فرد زندانی چه احساسی در وی ایجاد می‌کند؟ انتظار اعدام چگونه است؟ و اعدامیان لحظات آخر حیات را چگونه تجربه می‌کنند؟ در کنار مسائل بااهمیتی نظیر روند بررسی پرونده محکومان به اعدام، تعداد احکام اجرا شده و جرائم منجر به اعدام، به نظر میرسد تجربه فرد محکوم از حکم اعدام یکی از بنیادی‌ترین رویکردهای مواجهه با اعدام باشد. سازمان‌های جهانی حقوق بشر، حق حیات را جزء حقوق اولیه هر انسان قلمداد میکنند و فعالان حقوق بشر و برخی از خانواده‌های شاهد اعدام به انتقاد و مخالفت با این مجازات به دلیل منافات آن با حق حیات پرداخته‌اند. با این حال از نظر نگارنده میتوان تحقیقاتی را پیشنهاد داد. مخالفان و منتقدان اعدام در تحلیل‌ها و گزارش‌های گوناگون پیرامون مجازات اعدام به ضد انسانی بودن آن پرداخته‌اند، با این حال گزارش‌هایی نظیر "مرگ در اثر سخته پیش از اجرای حکم" توجه بیشتری را به آنچه یک اعدامی تجربه میکند، معطوف مینماید. بنابراین پژوهش پیش رو با رویکرد لحظات سخت زندانیان زیر حکم اعدام انجام شده است. اما دسترسی به زندانیان اعدامی با انواع موانع امنیتی مواجه بوده و عملاً برقراری ارتباط امکان پذیر نیست. به همین دلیل تصمیم بر آن شد از طریق مصاحبه با خانواده‌های شاهد اعدام، به مجازات اعدام از منظر آنچه آنها تجربه کرده‌اند پرداخته شود. ویژگی افراد اعدام شده

نتیجه جستجوی کلیدواژه اعدام در صفحات مجازی، تصاویر زیادی از افراد مختلف با طیف وسیعی از جرائم است که اعدام شده‌اند اما با این حال کسب اطلاعات از بسیاری از خانواده‌های شاهد اعدام به ویژه شاهدان اعدام سیاسی به دلیل تهدیدات و فشارهای امنیتی با مانع مواجه بود. بنابراین مصاحبه با افراد محدودی انجام گرفت تا آنچه بر اعدامیان و خانواده‌هایشان گذشته را توصیف کنند. شاهدان، نزدیکان خود را مردان مجرد ۲۴ تا ۳۵ ساله توصیف کرده‌اند که با اتهام قتل و مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند. همچنین این احکام طی ۲ ماه تا ۴ سال گذشته در زندان‌های آمل، اصفهان و اوین اجرا شده است.

تجربه خانواده‌ها از اعدام

آنچه که به عنوان تجربه مشترک تمامی شاهدان اعدام مطرح شد، عزادار بودن خانواده‌ها بوده که دوره‌ای طولانی‌تر از دیگر مرگ‌ها داشته است. به طوری که به گفته شاهدان پس از گذشت چند سال همچنان خانواده‌ها داغدار از دست دادن فرزندان خود بوده و مرگ آنها را نپذیرفته‌اند. آنها دلیل این مساله را «بی‌گناهی» اعدام شدگان می‌دانند. یکی از شاهدان نیز اشاره می‌کند: «خدا جون میده، خدا هم باید جونو بگیره» و «داغ جون که به جوونی شون رحم نشد، فراموش نمیشه» بنابراین مرگ در اثر اعدام برای آنها قابل پذیرش و باور نیست. اگر چه در سال‌های گذشته نوع جرائم دستاویزی برای توجیه قانون اعدام بوده و حکومت سعی در القای این تصور داشته که محکومان به اعدام برای امعه زیانبار هستند، با این حال شاهدان با اشاره به اینکه اعدام شدگان «کمک حال ضعیفا بودن» و «خانواده که هیچ، کل محل ناراحت بودن» آنها را مستحق حکم اعدام نمی‌دانند. همچنین داشتن «پتانسیل بالا» بر نقش شرایط اجتماعی در گرایش آنها به خلاف صحه می‌گذارد.

هرچند شاهدان معتقد بودند که: «اعدام واقعا وحشتناک و عمل غیر انسانی» با این حال در مواردی همچون قتل که اعدام نتیجه خواست شاکیان خصوصی است باز هم قانون اعدام مقصر شناخته میشود: «مقصر قانون دولت گوه خودمونه» و دلیل وجودی این قانون نیز اساساً بی ارزش بودن جان انسان‌ها در حاکمیت جمهوری اسلامی است. چرا که: «روزانه جوانان این



مراسم تشییع حسین پوزش
زندانی اعدام شده در زندان اصفهان ۲۲ تیر ۱۴۰۰



STOP